

## پاسخ به پرسش‌ها و شبهات منتخب\*

شبهه اول: اهداف انقلاب اسلامی ایران چه بود؟ مردم ما انقلاب کردند که وضع مالی‌شان خوب شود؟ آیا واقعاً همه چیز درست شده است؟ چرا هنوز گرانی وجود دارد؟

انقلاب اسلامی ایران برای تحقق اهداف والایی شکل گرفت: استقلال و آزادی حقیقی، حاکمیت دین و ارزش‌های اسلامی، برپایی عدالت، رفع تبعیض و محرومیت، رشد و پیشرفت و نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری. در ادامه این اهداف را مرور می‌کنیم و به پرسش‌های مطرح شده پاسخ می‌دهیم.

۱. انقلاب کردیم، چون رژیم پهلوی با اسلام و آموزه‌های اسلامی به ستیز برخاسته بود. اگرچه در آن دوران ظاهرسازی‌هایی برای فریب مردم صورت می‌گرفت، اما سیاست‌های اسلام‌ستیزانه پهلوی کاملاً آشکار بود. اسلام‌ستیزی در رادیو و تلویزیون، مطبوعات و فضای عمومی جامعه بسیار ملموس بود. در سطح شهرها مراکز فساد تأسیس و حمایت می‌شدند. جشن هنر شیراز نمونه‌ای از فساد رژیم را به نمایش گذاشت.

یکی از مظاهر اسلام‌ستیزی، گسترش بهائیت و واگذاری مناصب دولتی به بهائیان بود. پس از کودتای ۱۳۳۲ حمایت از بهائیت به‌عنوان یک سیاست قطعی دنبال شد و از سال‌های ۱۳۴۷ به بعد، تعداد قابل توجهی از اعضای هیئت دولت بهایی بودند. امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر سال‌های طولانی، خود متعلق به خانواده‌ای بهایی بود. گسترش روابط با رژیم صهیونیستی نیز از مظاهر آشکار اسلام‌ستیزی بود؛ شاه به بزرگ‌ترین متحد اسرائیل تبدیل شد و انواع کمک‌ها را به صهیونیست‌ها انجام می‌داد.

---

\*. گروهی از پژوهشگران مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات (حوزه‌های علمیه)، گروه سیاست.

مردم ایران با رهبری امام خمینی رحمته الله علیه ثابت کردند که فرهنگ دینی در عمق جانشان ریشه دارد و با هر قدرتی که به مقابله با آن برخیزد، مبارزه خواهند کرد.

۲. انقلاب کردیم زیرا رژیم پهلوی عزت و استقلال کشور را پایمال کرده و بیگانگان را بر کشور مسلط ساخته بود.

لایحه کاپیتولاسیون اوج حقارت و وابستگی بود. بیش از پنجاه هزار مستشار خارجی در کشور حضور داشتند که حقوقشان بیش از بودجه کل وزارت آموزش و پرورش بود و هر جرمی را آزادانه مرتکب می‌شدند بدون آن‌که کسی جرئت برخورد با آنان را داشته باشد. انقلاب کردیم تا عزت و استقلال ازدست‌رفته را بازگردانیم و دست بیگانگان را از غارت منابع کشور کوتاه کنیم.

۳. انقلاب کردیم چرا که رژیم ستم‌شاهی برای مردم ارزشی قائل نبود و استبداد و دیکتاتوری شدیدی بر کشور حاکم بود. مردم برای احقاق حقوق خود و کنار زدن استبداد، انقلاب کردند.

۴. انقلاب کردیم تا آزادی واقعی در کشور برپا شود. در آن دوره خبری از آزادی نبود و مردم آزادی بیان و انتقاد نداشتند. تنها بر موج فساد و بی‌بندوباری به اسم آزادی افزوده می‌شد. انقلاب اسلامی آزادی حقیقی را به مردم بازگرداند و امروز شاهد نقدها و اظهارنظرهای مختلف در برنامه‌ها، مطبوعات و سایت‌ها هستیم.

۵. انقلاب کردیم تا زنجیره فساد گسترده و سیستماتیک رژیم پهلوی را قطع کنیم. برداشتها و حیف‌ومیل‌های شاه از خزانه عمومی باورنکردنی است (فردوست، ج ۱، ص ۴۸، ۵۰، ۲۱۶، ۲۲۶). به گفته منابع موثق غربی، در چند سال آخر حکومت پهلوی، مبالغ هنگفتی بالغ بر ۲ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی مستقیماً به حساب بانکی خانواده سلطنتی در خارج واریز می‌شد که هرگز در خزانه کشور ثبت نگردید (آبراهامیان، ۱۳۷۹، ص ۴۰۰). خانواده پهلوی در اوایل دهه ۱۳۵۰ ثروتمندترین خانواده سوداگر ایران بودند و دارایی‌هایشان توسط «بنیاد پهلوی» مدیریت می‌شد که در اواخر این دهه دارایی آن بالغ بر ۲٫۸ میلیارد دلار بود. این بنیاد سالانه ۴۰ میلیون دلار پارانه می‌گرفت و سهام‌دها شرکت را در اختیار داشت (همان، ص ۴۰۱).

۶. انقلاب کردیم تا عدالت برپا شود و محرومیت‌ها از بین برود. روزگاری کشور ما با جمعیتی معادل یک‌سوم جمعیت کنونی و تولید نفت چندبرابری، از امکانات اولیه زندگی محروم بود و دسترسی به آب آشامیدنی سالم، بهداشت، درمان و تحصیل وجود نداشت، اما انقلاب اسلامی چهره کشور را دگرگون کرد. توسعه چشمگیر خدمات و امکانات عمومی، بهره‌مندی از آب، برق، گاز، تلفن، راه‌های ارتباطی، آموزش و بهداشت، و توسعه زیرساخت‌ها، تحولی عظیم بود (راجی و خامی، ۱۳۹۷)؛ گرچه هنوز تبعیض و فاصله طبقاتی وجود دارد و راه طولانی در پیش است، اما پیشرفت‌ها غیرقابل انکار است.

۷. انقلاب کردیم برای قطع عقب‌ماندگی و رشد و پیشرفت کشور. پیش از انقلاب در عرصه علوم و دستاوردهای علمی نه‌تنها در جهان، بلکه در منطقه نیز جایگاهی نداشتیم، اما امروز با وجود تحریم‌ها و فشارها، در حوزه‌های مختلف علم و فناوری‌های نوین در میان کشورهای برتر جهان قرار داریم. درعین‌حال در بخش اقتصادی با مشکلاتی مواجهیم که ناشی از ضعف برنامه‌ریزی، سوءمدیریت، ضعف‌های ساختاری و بی‌توجهی به ظرفیت‌های داخلی است. اگر همان عزم و روحیه انقلابی که پیشرفت‌های بزرگ را رقم زد، در اقتصاد به‌کار گرفته شود، مشکلات کنونی برطرف خواهد شد.

پاسخ به پرسش‌ها: آیا مردم انقلاب کردند که وضع مالی‌شان خوب شود؟ آری، بهبود وضع معیشتی یکی از اهداف بود، اما نه‌تنها هدف. انقلاب مجموعه‌ای از اهداف والا را دنبال می‌کرد که تحقق آن‌ها نیازمند زمان و تلاش مستمر است.

آیا واقعاً همه چیز درست شده است؟ خیر، قطعاً اهداف و آرمان‌های انقلاب به‌طور کامل محقق نشده و فاصله زیادی با نقطه مطلوب داریم، اما راه زیادی را طی کرده و پیشرفت‌های چشمگیری داشته‌ایم.

چرا هنوز گرانی وجود دارد؟ مشکلات اقتصادی کنونی ناشی از عواملی مانند ضعف برنامه‌ریزی، سوءمدیریت، تحریم‌ها، ضعف‌های ساختاری و بی‌توجهی به ظرفیت‌های داخلی است. وجود ضعف‌ها و کاستی‌ها به‌معنای دست برداشتن از اهداف یا ناامیدی نیست. در راه رسیدن به قله، موانع و مشکلاتی وجود دارد که باید با تلاش و روحیه انقلابی از سر راه برداشت و به مسیر ادامه داد.

**شبهه دوم: چرا انقلاب در این سالها کم کاری کرده و قیمت اجناس اینقدر بالا رفته، درحالی که زمان شاه قیمت یک قوطی کبریت چند سال ثابت بود؟**

اینکه در زمینه اقتصادی، مشکلات و ضعفهایی در کشور داریم، قابل انکار نیست و متأسفانه افزایش قیمت اجناس و تورم، مردم را آزار می‌دهد. مشکلات اقتصادی و افزایش قیمت‌ها دلایل متعددی دارد: نگاه نادرست حاکم بر اقتصاد کشور و تلاش برای نسخه‌برداری از الگوی اقتصاد نئولیبرال، فقدان باورمندی لازم به الگوی بومی اقتصادی، ضعف در مدیریت بازار، برخی سیاست‌گذاری‌های نادرست، ضعف در نظارت و برخورد با اخلاص‌گران، وجود ساختارهای معیوب اقتصادی از جمله وابستگی به نفت، خام‌فروشی، وابستگی به دلار، بوروکراسی دست‌وپاگیر، عدم خصوصی‌سازی واقعی، فقدان شفافیت لازم و ضعف نظام بانکی و مالیاتی.

اما با همه این‌ها وضعیت اقتصادی کشور، شاخص‌های توسعه، سطح زندگی و رفاه نسبی مردم، بهره‌مندی و دسترسی به خدمات عمرانی، بهداشتی، آموزشی و... تحول بزرگی را نشان می‌دهد که با رژیم گذشته قابل مقایسه نیست؛ رژیمی که مردم از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی محروم بودند. با این حال وجود مشکلات و فشارهای اقتصادی موجب شده تا بیشتر بر مشکلات تمرکز شود و اقدامات انجام شده کمتر به چشم بیاید. آنچه به این مسئله دامن زده، جریان رسانه‌ای دشمن است که در جنگ شناختی، با تصویرسازی نادرست و تحریف واقعیات، به بزرگ‌نمایی مشکلات و القای احساس بدبختی می‌پردازد تا مردم داشته‌های خود را نادیده بگیرند.

در این راستا روایت‌هایی از دوره پهلوی در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود که تلاش می‌کند تصویری مثبت از وضعیت مردم در آن دوره القا کند. این جریان رسانه‌ای تحریف‌گر با موج‌سواری بر مشکلات اقتصادی امروز، چهره زشت پهلوی را آن‌چنان بزرگ کرده که مخاطبان ناآگاه، به‌ویژه نسل جوان که آن روزها را ندیده‌اند، تصور می‌کنند مردم در رفاه و آسایش بوده‌اند و گرانی وجود نداشته است. آن‌ها ثابت بودن قیمت یک قوطی کبریت یا خودکار در دوره هویدا را مثال می‌زنند. برای روشن شدن واقعیت، به چند نمونه

از گزارش‌های خارجی و اسناد تاریخی درباره وضعیت اقتصادی و زندگی مردم در دوره پهلوی اشاره می‌کنیم.

### گزارش‌های خارجی از وضعیت ایران در دوره پهلوی:

جان فوران، استاد دانشگاه کالیفرنیا، وضعیت تغذیه و بهداشت در ایران دوران پهلوی دوم را چنین توصیف می‌کند: «۶۵ درصد شهرنشینان در سال ۱۳۵۲-۱۳۵۱ دچار سوءتغذیه بودند (که ۲۵ درصد آن‌ها وضعیت بسیار بدی داشتند) و این در مقایسه با ۴۲ درصد در روستاها، رقم بسیار بالایی است. آمار بهداشتی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۵۶، ایران در خاورمیانه بدترین نسبت پزشک به بیمار، بالاترین نرخ مرگ‌ومیر نوزادان و پایین‌ترین نسبت تخت بیمارستان به جمعیت را داشت» (فوران، ۱۴۰۴، ص ۴۹۲).

یرواند آبراهامیان، استاد دانشگاه نیویورک، نیز آمار وحشتناکی از وضعیت تحصیل در آن دوره ارائه می‌دهد: «۶۸ درصد از جمعیت بزرگسال بی‌سواد بودند، ۶۰ درصد از کودکان نمی‌توانستند دوره دبستان را کامل کنند و تنها ۳۰ درصد از داوطلبان کنکور وارد دانشگاه می‌شدند. شمار پزشکان ایرانی مستقر در نیویورک در دهه ۱۹۷۰ بیشتر از شهرهای ایران، غیر از تهران، بود» (آبراهامیان، ۱۴۰۰، ص ۲۵۳-۲۵۵).

آنتونی پارسونز سفیر وقت انگلیس در ایران می‌گوید: «زمان زیادی طول نکشید که فهمیدم سیاست‌های شاه، هرچه که برای مردم به ارمغان آورده باشد، آسایش و خوشبختی به همراه نداشته است؛ حداقل در رابطه با مردم تهران چنین بود» (روایت یک سقوط از زبان آنتونی پارسونز).

### ارزیابی ادعای ثابت بودن قیمت اجناس در دوره پهلوی:

مراجعه به روزنامه‌های آن دوره، نادرستی این ادعا را آشکار می‌کند. روزنامه‌ها و مطبوعات آن زمان، با وجود نظارت شدید حکومت پهلوی و سانسور گسترده، حقایقی متفاوت از داستان‌پردازی‌های امروز را نشان می‌دهند:

تیتراصلی روزنامه اطلاعات در ۳۰ فروردین ۱۳۵۰ از پاسخ هویدا به نمایندگان منتقد مجلس در مورد گرانی‌های سرسام‌آور حکایت دارد.

تیترا اول همین روزنامه در بهمن ۱۳۵۰ از گرانی افسارگسیخته‌ای خبر می‌دهد که دولت را وادار به اقداماتی برای مبارزه با گرانی کرده است:

<https://irdc.ir/fa/news/5691>

اسدالله علم وزیر دربار محمدرضا پهلوی در خاطرات خود می‌نویسد: «در تابستان ۱۳۵۲ بسیاری از انواع مواد غذایی کمیاب شد و اگر هم یافت می‌شد با قیمتی چند ده برابری به فروش می‌رسید. در ماه‌های نخست سال ۵۳ نان هم پیدا نمی‌شد و هویدا همواره اعلام می‌کرد که ما در «عصر طلایی» به سر می‌بریم»:

<https://www.mashreghnews.ir/news/1572544>

محمدرضا پهلوی در سخنرانی خود در اجلاس مجلسین سال ۱۳۵۲ به تورم ۲۰۰ تا ۴۰۰ درصدی اعتراف می‌کند و درباره افزایش قیمت کالاهای اساسی نسبت به دو سال قبل می‌گوید: «گندم ۳۲۰ درصد، شکر ۳۰۸ درصد، سیمان ۳۰۰ درصد، پشم ۲۲۰ درصد، آهن‌آلات ۲۰۰ درصد، پوست و چرم ۲۰۰ درصد و مواد پلاستیکی تا ۴۰۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند» (همان).

روزنامه اطلاعات در ۲۱ تیرماه ۱۳۴۱ سخنان ارسنجان، وزیر کشاورزی پهلوی را منتشر می‌کند که می‌گوید: «در حدود ۴۰ درصد مردم ایران گرسنه هستند. ۴۰ درصد دیگر هم نیمه‌گرسنه. غذا برای همه نداریم».

این گزارش‌ها تنها بخشی از واقعیت‌های دوره پهلوی را روایت می‌کنند؛ آن هم در شرایطی که جمعیت کشور یک‌سوم جمعیت کنونی بود، چندین برابر امروز نفت فروخته می‌شد، تحریمی وجود نداشت و رابطه خوبی با آمریکا و کشورهای اروپایی برقرار بود. بنابراین ادعای ثبات قیمت‌ها و رفاه عمومی در دوره پهلوی، با اسناد تاریخی و گزارش‌های معتبر داخلی و خارجی در تضاد کامل است و بخشی از جنگ شناختی دشمن برای تحریف واقعیت‌ها و القای ناامیدی در جامعه محسوب می‌شود.

**شبهه سوم: انقلابیون هم در زمان شاه اموال عمومی را تخریب می‌کردند و آتش می‌زدند، اغتشاشگران هم همین کارها را انجام می‌دهند؟ چرا آن را تأیید می‌کنید، اما این جرم است؟**

آنچه مبارزه علیه حکومت پهلوی را از مقابله با جمهوری اسلامی متمایز می‌کند، تفاوت

در انگیزه، هدف، ماهیت، رهبری و روش آن است. ظاهر یکسان رفتارها به معنای شباهت و یکسان بودن آن‌ها نیست. هر اعتراض و مبارزه‌ای را نمی‌توان به‌طور کلی رد یا تأیید کرد، بلکه هدف، انگیزه و روش آن، معیار قضاوت است.

چاقو را یک جراح برای درمان بیمار به‌کار می‌گیرد و دیگری برای آسیب به انسان؛ هر دو در ظاهر با بریدن و خون همراه‌اند، اما یکی در مسیر اصلاح و دیگری در راه فساد است. اعدام یک جنایتکار و کشتن یک فرد بی‌گناه، هر دو گرفتن جان انسان است، اما یکی در راستای عدالت و دیگری از روی ظلم. اسرائیلی‌ها آدم می‌کشند و نیروهای مقاومت نیز سربازان صهیونیست را به هلاکت می‌رسانند؛ آیا این دو یکی هستند؟

### تفاوت در هدف و انگیزه مبارزه

هدف از مبارزه با حکومت پهلوی، انگیزه‌ای الهی برای احیای ارزش‌های اسلامی، بازگرداندن استقلال کشور و قطع دست بیگانگان از منابع ایران بود. این اهداف در شعارهای مردم در راهپیمایی‌ها به روشنی نمایان بود و هر مسلمان و ایرانی دغدغه‌مندی را با انقلاب همراه می‌کرد. اما مقابله با جمهوری اسلامی در فتنه‌های اخیر، با هدف براندازی حکومت دینی، باز کردن پای دشمنان، زمینه‌سازی برای تجزیه کشور و احیای سلطه آمریکا در ایران صورت گرفته است؛ اهدافی که هر ایرانی غیرتمند و آگاهی را از آن منزجر می‌کند.

مقابله با رژیم سفاک پهلوی که همه چیز کشور را در اختیار بیگانگان قرار داده بود و بیش از پنجاه هزار مستشار آمریکایی در ایران آزادانه به اموال و نوامیس مردم تعرض می‌کردند کجا و مقابله با نظامی که در برابر استکبار جهانی ایستاده و از کرامت انسانی دفاع می‌کند کجا؟ مبارزات مردمی برآمده از دین و ارزش‌های اسلامی در برابر ظلم و فساد کجا و آشوبگرانی که به دنبال تخریب ارزش‌های دینی هستند کجا؟

### تفاوت در ماهیت و پایگاه اجتماعی

انقلاب اسلامی یک حرکت مردمی، برخاسته از دل توده‌ها و به رهبری روشن علیه حکومت فاسد و وابسته پهلوی بود، اما فتنه‌های علیه جمهوری اسلامی با وجود تلاش رسانه‌های معاند برای جلوه دادن آن به‌عنوان جنبش اجتماعی، نه برآمده از خواست مردم بود و نه

دغدغه مطالبات آن‌ها را داشت، بلکه طراحی خارجی برای سوءاستفاده از برخی مشکلات بود. به همین دلیل با وجود همه فراخوان‌ها، نتوانست مردم را با خود همراه کند و در مقابل، مردم در محکومیت آن به میدان آمدند.

ایستادن عده‌ای معدود در برابر مردم و تخریب اموال عمومی و کشتن وحشیانه افراد، نه اعتراض، که دیکتاتوری در برابر اکثریت است. طبیعی است که نظام برآمده از مردم، وظیفه خود می‌داند از امنیت آن‌ها صیانت کند.

### تفاوت در رهبری

انقلاب اسلامی توسط امام خمینی رحمته به‌عنوان شخصیتی برجسته دینی رهبری می‌شد که مردم از عمق جان به ایشان عشق می‌ورزیدند. رهبری که خود در وسط میدان و همراه مردم بود؛ این کجا و مبارزه علیه جمهوری اسلامی کجا، که توسط مشتی اپوزیسیون فاسد، هتاک، خائن به وطن و عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی آمریکا و اسرائیل هدایت می‌شود؟ کسانی که دم از میهن‌پرستی می‌زنند، اما برای حمله به کشور به آمریکا و اسرائیل التماس می‌کنند و از تجزیه کشور استقبال می‌نمایند.

### تفاوت در روش مبارزه

روش مبارزه در انقلاب اسلامی با رفتارهای خشونت‌آمیز و وحشیانه در فتنه‌های اخیر قابل مقایسه نیست. امام خمینی رحمته با تأکید بر آگاهی‌بخشی و روشنگری مردم تلاش کردند تا خشونت‌ها به حداقل برسد. ایشان با مبارزه مسلحانه مخالف بودند و می‌فرمودند: «اسلحه ابداً... ما از سال ۴۱ تا الان که وقت بازگشت ماست، همه‌اش با بیان بوده، همه‌اش با مصاحبه بوده، همه‌اش با گفتار بوده».

حضرت امام رحمته با تخریب اموال عمومی نیز موافق نبودند و در ۱۹ دی ۱۳۵۷ دستور جلوگیری از حمله به اماکن عمومی را صادر کردند و تأکید کردند که «دیانت مقدس اسلام، جان و مال انسان‌ها را محترم شمرده و تجاوز به آن را از محرّمات عظیمه می‌داند».

این روش مبارزه و تلاش برای مهار خشونت را مقایسه کنید با خشونت عریان و بی‌سابقه عناصر مزدور در فتنه‌ها، جایی که اموال عمومی و خصوصی به آتش کشیده شد،



آمیولانس‌ها و ماشین‌های آتش‌نشانی در امان نماند، بانک‌ها، درمانگاه‌ها، مساجد، حسینیه‌ها و امام‌زاده‌ها طعمه حریق شدند، فروشگاه‌ها غارت و سوزانده شدند و مدافعان امنیت با سلاح سرد و گرم مورد حمله قرار گرفته و برخی زنده‌زنده سوزانده یا سر بریده شدند. زبان از گفتن این حجم از جنایت و وحشی‌گری عاجز است.

رسانه‌های معاند برای توجیه این اقدامات خرابکارانه، به دروغ مدعی شدند که در جریان انقلاب اسلامی نیز چنین رفتارهایی رخ داده است، درحالی‌که امام خمینی رحمته به صراحت با این روش‌ها مخالفت کرده و مردم را به آرامش و پرهیز از خشونت فراخوانده بودند.

بنابراین با توجه به تفاوت‌های اساسی در هدف، انگیزه، ماهیت، رهبری و روش، نمی‌توان مبارزه علیه حکومت پهلوی را با مقابله با جمهوری اسلامی یکسان دانست.

**شبهه چهارم: وضعیت زندگی مردم قبل از انقلاب بهتر بوده است. پدر و مادر بزرگ‌ها می‌گویند در زمان شاه امکانات بهتر بود، اما الان زندگی سخت‌تر شده است!**

۱. متأسفانه برخی بزرگ‌ترها که شرایط دوران پهلوی را درک کرده‌اند یا فراموش کرده‌اند یا خود را به فراموشی زده‌اند و به‌جای بیان واقعیت آن دوره برای جوانان، تصویری غیرواقعی از آن ارائه می‌دهند.

اگر از همان پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها که چنین مطالبی می‌گویند سؤال کنید که آیا ماشین شخصی یا تلفن داشته‌اند؟ در شهر آن‌ها چند بیمارستان وجود داشته؟ وضعیت بهداشت چگونه بوده؟ وضعیت راه‌ها چطور بوده؟ چقدر در سال می‌توانستند غذای خوب بخورند یا لباس خوب بپوشند؟ چند خانواده در یک خانه زندگی می‌کرده‌اند؟ پاسخ‌هایی خواهند داد که وضعیت اقتصادی آن دوره را به روشنی ترسیم می‌کند.

ادعاهای این دسته از افراد و تصویری که شبکه‌های معاند از آن رژیم ارائه می‌دهند، در حالی است که مردم از ابتدایی‌ترین امکانات اولیه زندگی، آب آشامیدنی سالم، بهداشت، تحصیلات، تغذیه و... محروم بودند. اشاره به برخی گزارش‌ها درباره وضعیت کشور در رژیم گذشته، گویای همه چیز است.

## گزارش‌های تاریخی از وضعیت ایران در دوره پهلوی:

فریدون هویدا در کتاب خاطراتش می‌نویسد: «علی‌رغم برکناری زاهدی، اوضاع اقتصادی کشور روزبه‌روز بدتر می‌شد؛ گرچه بعد از سقوط مصدق، بهره‌برداری از نفت ایران را کنسرسیومی متشکل از کمپانی‌های غربی به‌عهده گرفت و درآمد ایران از بابت فروش نفت (به‌صورت دریافت ۵۰ درصد سود)، به مراتب بیشتر از گذشته شد، ولی به‌خاطر فساد گسترده و عدم کارایی در امور کشور، تمام درآمد نفتی به هدر می‌رفت و یک‌بار دیگر ایران در معرض تهدید ورشکستگی قرار گرفته بود».

علینقی عالیخانی از مقامات عالی‌رتبه اقتصادی رژیم پهلوی که در اغلب سال‌های دهه ۴۰ وزارت اقتصاد را برعهده داشت، در مقدمه‌ای بر یادداشت‌های اسدالله علم می‌نویسد: «در ۱۳۵۵ تنها ۷۵٪ از کودکان به آموزش دسترسی داشتند، آن هم در شرایطی که حتی در پایتخت مدارس تا سه نوبت کار می‌کردند و شمار شاگردان هر کلاس به ۷۰-۸۰ نفر می‌رسید. برپایه گزارش سال ۱۹۷۹ بانک جهانی، درصد اشخاص بالغ باسواد در ۱۹۷۵، در تانزانیا ۶۶، در ترکیه ۶۰ و در ایران ۵۰ بیش نبود. همچنین در ۱۹۷۷ امید به زندگی در ترکیه ۶۰، در ایران ۵۲ و در هندوستان و تانزانیا ۵۱ سال بود. به زبان دیگر، چه در زمینه آموزشی و چه در زمینه بهداشتی، وضع ایران از کشورهای که درآمد کمتر یا خیلی کمتر داشتند، بهتر نبود» (علم، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۰-۱۲۱).

با وجود فروش بی‌سابقه نفت در دهه پنجاه، از اوایل سال ۱۳۵۴ شاهد افزایش بی‌رویه و بی‌سابقه قیمت‌ها بودیم. نرخ تورم با وجود درآمد سرشار نفت به حدود ۲۵ درصد رسید و در نیمه دوم سال ۱۳۵۶ تورم به ۴۰ درصد رسید؛ این در حالی بود که ایران در دهه ۵۰ روزانه ۶ میلیون بشکه نفت می‌فروخت؛ رقمی که هرگز در دوران پس از انقلاب سابقه نداشته است (آمارهای بانک مرکزی).

طبق گزارش بانک جهانی، ۵۰ درصد مردم ایران در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) زیر خط فقر زندگی می‌کردند. اعتراف خود شاه به افزایش سرسام‌آور قیمت کالاها نیز جایی برای این افسانه‌سرای‌ها باقی نمی‌گذارد:

<https://www.yjc.ir/fa/news/7442052>

۲. با وجود همه مشکلات، کمبودها و فشارهای اقتصادی و معیشتی کنونی، شاخص‌های

توسعه در کشور و سطح و شرایط زندگی مردم قابل مقایسه با وضعیت اسفناک پهلوی نیست.

مشکلات اقتصادی، گرانی و تورم وجود دارد، اما امکانات رفاهی و سطح زندگی مردم ما - از جمله میزان سفرهای زیارتی و سیاحتی داخلی و خارجی، بهره‌مندی اکثر خانواده‌ها از ماشین شخصی، استفاده از لوازم خانگی مدرن و کالاهای لوکس و برگزاری مراسمات و مهمانی‌ها - نشان می‌دهد که اگر مشکل و کمبودی هست، در کنار آن رفاه نسبی، پیشرفت و امنیت نیز وجود دارد.

اگر روزگاری گرد محرومیت و عقب‌ماندگی بر چهره رژیم گذشته گسترده بود، نظام جمهوری اسلامی با تکیه بر توان جوانان و نخبگان این مرز و بوم که در آن دوره توجهی به آنان نمی‌شد و با دمیدن روحیه خودباوری و اعتمادبه‌نفس در آنان، در عرصه‌های مختلف علمی، پزشکی، نانو، هوا و فضا، هسته‌ای و نظامی به دستاوردها و پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ای دست یافته که کشور ما را در میان چند کشور برتر دنیا در این زمینه‌ها قرار داده است. در عرصه رفع محرومیت و خدمات‌رسانی در بخش آبرسانی، برق، گاز، تلفن، راه‌سازی و بهداشت نیز تحول عظیمی در کشور به وجود آمده است. ارزش این دستاوردها هنگامی بیشتر آشکار می‌شود که توجه داشته باشیم همه این‌ها با وجود دشمنی‌ها، مانع‌تراشی‌ها، کارشکنی‌ها، فشارها و تحریم‌های نظام سلطه صورت گرفته است.

روزگاری برای درمان نیاز به پزشک خارجی داشتیم، اما امروز پزشکی ایران در سطح بین‌المللی حرف برای گفتن دارد و بیماری‌رانی از کشورهای همسایه برای معالجه به ایران سفر می‌کنند. البته این به معنای نادیده گرفتن مشکلات و ضعف‌ها نیست، اما نشان‌دهنده تحول و راه فراوان طی شده است، هرچند تا رسیدن به نقطه قابل قبول، فاصله وجود دارد.

۳. پرواند آبراهامیان، تاریخ‌نگار برجسته، می‌گوید: «دستاوردهای انقلاب اغلب نادیده گرفته می‌شود... برای نمونه برنامه‌های مبارزه با بی‌سوادی و احداث مدارس و دانشگاه‌ها، همچنین توسعه جاده‌های روستایی و خانه‌های بهداشت و مراکز سلامت در روستاها؛ بنابراین اگرچه اغلب افراد از لحاظ رفاه اقتصادی و مسائل اجتماعی مشکلاتی دارند، اما رژیم جمهوری اسلامی به نسبت رژیم شاه واقعاً در این زمینه کارنامه بهتری داشته است؛

بنابراین اگر دو رژیم را مقایسه کنید، گرچه نارضایتی‌های اقتصادی وجود دارد، رژیم کنونی در برنامه‌های رفاه اجتماعی بسیار خوب عمل کرده است»:

<https://www.farsnews.ir/news/14001118000082>

۴. مقاله‌ای در مجله معتبر علمی «نیچر (Nature)» در سال ۲۰۰۵ با اشاره به

پیشرفت‌های ایران چنین می‌نویسد:

«تعالی علمی در ایران در حال بازسازی است، مگر این‌که با اغتشاشات یا تحریم‌های بیشتر جلوی آن گرفته شود... ایرانیان می‌دانند چه کسانی هستند و از سابقه تمدن و علمی‌شان به خوبی آگاه‌اند. در چند سال گذشته این کشور پول بیشتری را در علم سرمایه‌گذاری کرده است، حتی آیت‌الله خامنه‌ای برای علم صحبت کرده و از کشور خود خواسته است تا «اعتماد به نفس در تمامی زمینه‌های علمی» را توسعه دهند. این فراخوانی درون یک جامعه دانشگاهی کوچک است که به شدت از میراث غنی و باستانی پیشرفت علمی ایران آگاه است» (همان).

بنابراین تصور بهتر بودن وضعیت زندگی قبل از انقلاب، با واقعیات تاریخی و آماری در تضاد است و بیشتر تحت تأثیر فراموشی، بزرگ‌نمایی مشکلات کنونی و تبلیغات رسانه‌های معاند شکل گرفته است.

**شبهه پنجم: چرا با وجود مشکلات داخل کشور، کمک به جبهه مقاومت می‌شود؟ منشأ گرانی‌ها، برداشت از جیب ملت برای امت‌سازی است؟**

۱. رسیدگی به مشکلات داخلی و رفع محرومیت از وظایف مسئولان است، اما نباید تصور کرد نیازهای کشور تنها به مسائل اقتصادی خلاصه می‌شود.

اهمیت حفظ امنیت اگر از مسائل اقتصادی و دیگر مسائل کشور بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ زیرا بدون امنیت، پیشرفت اقتصادی و بهبود معیشت معنا نخواهد داشت. طبیعی است که امنیت کشور به امنیت منطقه‌ای که در آن قرار داریم گره خورده است و انتظار عدم مداخله و بی‌اعتنایی نسبت به امنیت منطقه، انتظاری غیرمنطقی است.

چگونه می‌توان حضور رژیم صهیونیستی را که برپایه غصب و تجاوز بنا شده و کانون بحران در منطقه است مشاهده کرد، اما از چرایی مداخله جمهوری اسلامی در امنیت منطقه سؤال کرد؟ چگونه می‌توان نقشه خطرناک آمریکا برای منطقه، طرح خاورمیانه

جدید، تجزیه کشورهای منطقه و ایجاد و حمایت از گروه تروریستی داعش را دید و انتظار داشت کشورمان تنها نظاره‌گر این حوادث باشد و نگاه خود را به مسائل داخلی معطوف کند؟

حوادث و تحولات منطقه در امنیت و مسائل داخلی ما تأثیرگذار است و بدون توجه به آن نمی‌توان مسائل داخلی را رسیدگی کرد. به‌جای پرسش از دلیل مداخله کشورمان در امنیت منطقه، این سؤال باید از کشورهای شود که از آن سوی دنیا با اقدامات سلطه‌جویانه خود - اشغال افغانستان و عراق با بهانه‌های واهی و ایجاد پایگاه‌های متعدد در منطقه - امنیت منطقه را به مخاطره انداخته‌اند.

تصور کنیم اگر نقش‌آفرینی کشورمان در منطقه نبود، با توجه به تجاوزطلبی رژیم غاصب صهیونیستی، چه سرنوشتی در انتظار منطقه و کشورمان بود؟ اگر گروه تروریستی داعش می‌توانست در عراق و سوریه به اهداف خود برسد، امروز چه تهدیدی متوجه کشورمان بود؟

از این جهت، کمک به محور مقاومت - صرف‌نظر از وظیفه انسانی و اسلامی ما در دفاع از مظلوم در برابر ظالمی که مورد حمایت همه‌جانبه نظام سلطه است - در راستای منافع ملی و امنیت کشور خودمان است. حزب‌الله و فلسطین در خط مقدم مقابله با رژیم صهیونیستی هستند و این رژیم جنایتکار را در سرزمین‌های اشغالی محصور کرده و اجازه زیاده‌خواهی به آن نمی‌دهند. اگر کمک‌ها و حمایت‌های کشورمان نبود، برای تأمین امنیت خودمان در برابر این رژیم متجاوز باید هزینه‌های سنگین‌تر و به مراتب بیشتری پرداخت می‌کردیم.

در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه دیدیم که با سقوط حکومت سوریه و شهادت سید مقاومت، شهید سید حسن نصرالله و فرماندهان ارشد حزب‌الله، این رژیم جعلی با تصور ضعیف شدن کشورمان حمله کرد؛ بنابراین هزینه‌ای که می‌شود در راستای تأمین امنیت خودمان است، نه صرفاً کمک به حزب‌الله و محور مقاومت.

نباید تصور کرد که کمک‌های ما به محور مقاومت، تنها کمک به کشورهای دیگر است، بلکه در راستای تأمین امنیت کشور است. همان‌گونه که اقتصاد و معیشت و بهداشت و

درمان لازم است، امنیت نیز لازم است. از این جهت ایجاد دوگانگی و تقابل میان مشکلات داخلی و کمک به محور مقاومت نادرست است و هر کدام از این مسئولیت‌ها در جای خود لازم است. حل مشکلات و تأمین نیازهای داخلی و رفع محرومیت از وظایف غیرقابل انکار حکومت است، اما همه این‌ها متوقف بر وجود امنیت است. دوگانه‌سازی امنیت و مسائل داخلی ناشی از فهم و برداشت نادرست از نیازها و اولویت‌های کشور است.

۲. منشأ گرانی‌ها و مشکلات اقتصادی، کمک به محور مقاومت نیست و میزان این کمک‌ها به اندازه‌ای نیست که عامل مشکلات اقتصادی باشد.

عامل مشکلات اقتصادی کشور به سوءمدیریت، سیاست‌گذاری‌های نادرست، عملکردهای ضعیف، فقدان برنامه‌ریزی جامع‌نگر و ضعف روحیه انقلابی و جهادی بازمی‌گردد. چگونه در حوزه‌های دیگر با تکیه بر توان نخبگان و نیروهای جوان و تفکر انقلابی و روحیه جهادی، با وجود همه تحریم‌ها و فشارها، دستاوردهای خیره‌کننده‌ای به دست آمده است؟ این نشان می‌دهد که مشکلات بیشتر به مدیریت‌ها برمی‌گردد تا عوامل دیگر.

سال‌هاست که افسانه‌بخشیدن تمام ثروت کشور به لبنان، فلسطین، عراق، سوریه و... به کمک مباران کارتل رسانه‌ای غرب، ذهن مردم ایران را مشغول کرده است. حتی اگر مبلغ ۱۶ میلیارد دلار ادعایی ترامپ و برایان هوک (رئیس گروه اقدام ایران در وزارت خارجه آمریکا) را در مورد کمک ایران به سوریه طی شش سال (۲۰۱۸-۲۰۱۲) برای جمعیت ۸۰ میلیونی کشور محاسبه کنیم، سهم هر ایرانی در هر ماه مبلغی کمتر از ۱۵ هزار تومان می‌شود.

تبلیغات مسموم درباره کمک‌های ایران به لبنان حتی باعث واکنش خبرنگار بی‌بی‌سی نیز شده است. وی در حساب توئیترش نوشت: «اشتباه‌ترین تصویری که ایرانی‌ها دارند این است که پول حزب‌الله و حتی لبنان همه از ایران می‌آید. وقتی این تصور را به رئیس اتاق بازرگانی لبنان گفتم، قهقهه زد و با اعداد و ارقام نشان داد که لبنان چه حجم گسترده درآمدی از آفریقا و بعضی از کشورهای عربی دارد»:

<https://www.rajanews.com/news/301668>

ظهور گروه تروریستی داعش که می‌رفت تمام منطقه را ببلعد و به مرزهای ایران نزدیک شود و نابودی آن به وسیله ایران و حامیانش، تا حد زیادی چرایی کمک ایران به جریان

مقاومت را برای اذهان جامعه روشن ساخت. جنگ تحمیلی ۱۲ روزه نیز اهمیت محور مقاومت در امنیت کشور ما را برای افراد بیشتری آشکار کرد.

۳. کشورهای اسلامی از منظر دینی امت هستند و این نگاه به معنای امت‌سازی صرفاً سیاسی نیست.

استفاده از این ظرفیت می‌تواند اقتدار و توانمندی اقتصادی و سیاسی کشور ما و همه کشورهای اسلامی را ارتقا دهد و در راستای منافع کشور است. امت اسلامی جامعه‌ای واحد به حساب می‌آید که مرزهای جغرافیایی آن‌ها را از یکدیگر جدا نمی‌کند و وظایف و حقوق متقابل را ساقط نمی‌سازد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ؛ و این امت شما، امت واحدی است و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستش کنید» (انبیاء: ۹۲).

قرآن حتی جامعه بشری را امت واحده‌ای به‌شمار می‌آورد که دچار تفرقه شده‌اند و این تفرقه را مورد سرزنش قرار می‌دهد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در عهدنامه مالک‌اشتر می‌فرمایند: «قلب خود را با رحمت، محبت و لطف نسبت به مردم بیوشان... چرا که آن‌ها دو گروه‌اند: یا برادر دینی تو هستند یا در آفرینش هم‌نوع تو هستند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

آیات فراوانی از قرآن کریم بر انسجام و پیوستگی امت اسلامی و جامعه بشری تأکید می‌کنند و مسلمانان را برادر یکدیگر می‌دانند. حضرت امام صادق (علیه السلام) از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) در تحف العقول نقل می‌کند که فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ هرکس صبح کند و نسبت به امور مسلمین بی‌اهتمام باشد، مسلمان نیست».

بنابراین تفکری که رسیدگی به نیازمندان را محدود به جامعه و کشور خود می‌کند و فراتر از آن مسئولیتی را متوجه مسلمانان و نظام اسلامی نمی‌داند، با اسلام زاویه دارد.

**شبهه ششم: چرا روحانیت برای وضعیت اقتصادی کاری نمی‌کند؟ چرا روحانیت پیشگام اعتراضات اقتصادی نیست تا از اغتشاشات جلوگیری شود؟**

۱. روحانیان نه تنها خود مانند عموم مردم و حتی بیش از همه اقشار از مشکلات اقتصادی رنج می‌برند، بلکه همواره نسبت به وضعیت اقتصادی و مشکلات معیشتی انتقاد و اعتراض خود را مطرح کرده‌اند.

از مراجع عظام تقلید گرفته که در دیدارهای مختلف با مسئولان و در درس‌های خود نسبت به مشکلات اقتصادی انتقاد کرده و خواستار توجه و رسیدگی مسئولان به آن بوده‌اند، تا ائمه جمعه و جماعات که اشاره به مشکلات اقتصادی و حل آن، از مطالبات مستمر آنان از مسئولان است. حوزه علمیه، جامعه مدرسین و نمایندگان مجلس خبرگان نیز با صدور بیانیه‌ها و پیام‌هایی، مشکلات اقتصادی را نقد کرده و به مسئولان گوشزد کرده‌اند. اطلاع‌رسانی ناکافی در این زمینه یا تصور و برداشت نادرست از اعتراض (که باید همراه با هیاهو و سروصدا باشد)، این ذهنیت را برای برخی ایجاد کرده که مراجع، حوزه و روحانیت نسبت به مشکلات اقتصادی بی‌تفاوت بوده و انتقاد و اعتراضی ندارند.

۲. اگر پیشگام بودن روحانیت در اعتراضات اقتصادی به معنای حضور در خیابان‌ها و همراه کردن مردم با خود باشد، این همان چیزی بود که دشمنان انتظار آن را می‌کشیدند. چنین اقدامی با توجه به دشمن کمین‌کرده‌ای که مترصد فرصت برای اجرای نقشه و برنامه طراحی شده خود بود، به معنای بازی کردن در زمین دشمن و تکمیل پازل اوست. افزون بر این، اعتراضات اقتصادی نباید موجب حاشیه‌سازی برای کشور شود. این اعتراض‌ها و انتقادات باید به شیوه‌ای مطرح شود که به اصلاح و تغییر شرایط منجر شود، نه آن‌که تنش و التهاب در جامعه ایجاد کند.

۳. مشکلات اقتصادی تنها بهانه‌ای برای اغتشاش بود و اگر این مسئله نبود، دشمن برای اجرای برنامه و نقشه خود در ایجاد اغتشاش، موضوع دیگری را دست‌آویز قرار می‌داد. توجه به زمینه‌ها و عوامل نارضایتی و اعتراض مردم، نباید ما را از عامل اصلی اغتشاشات که دشمنان قسم‌خورده کشور هستند و به این نقشه با صراحت اعتراف کرده‌اند، غافل کند.

**شبهه هفتم: اگر آشتی کردن با آمریکا باعث شود تحریم‌ها برداشته شود و وضع اقتصادی مردم بهتر شود، چرا حکومت ایران این کار را نمی‌کند؟ مگر امنیت و رفاه مردم مهم‌تر از دشمنی با یک کشور دیگر نیست؟**

۱. کشور ما با آمریکا دشمنی را آغاز نکرده و علیه این کشور توطئه نکرده است، بلکه این آمریکاست که دشمنی با ما داشته و دارد.

بررسی رفتارهای خصمانه آمریکا در تاریخ معاصر ایران به خوبی نشان می‌دهد که دشمنی آمریکا به سال‌ها قبل از انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت، با وجود آن‌که دکتر مصدق با آمریکا مرادده داشت و تنها موضوع تثبیت حق کشور در قضیه نفت مطرح بود، آمریکا به همین مقدار هم برای کشور ما حق قائل نشد و با راه‌اندازی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، حکومت مصدق را سرنگون کرد. در آن زمان نه خبری از انقلاب اسلامی بود، نه سفارتی تسخیر شده بود و نه امام خمینی رحمته الله علیه نهضت اسلامی خود را آغاز کرده بود که با این دشمنی آشکار مواجه شویم.

مادلین آلبرایت، وزیر خارجه اسبق آمریکا، در ۱۷ مارس ۲۰۰۰ صریحاً به نقش عمده آمریکا در کودتا اعتراف کرد: «در ۱۹۵۳ آمریکا نقشی عمده در طراحی سرنگونی محمد مصدق، نخست‌وزیر مردمی ایران بازی کرد». نیک‌سون نیز در ۱۵ مه ۱۹۹۱ در مصاحبه‌ای گفت: «آمریکا همراه با انگلیس در حمایت از کودتایی شرکت کرد که مصدق را برکنار کرد» (کودتای ۲۸ مرداد؛ اسناد و اظهارات مقامات آمریکایی و انگلیسی). کریمت روزولت از مقامات برجسته سیا که مجری این کودتا بود، اعتراف کرد: «کودتای ایران نخستین عملیات مخفی علیه یک دولت خارجی بود که توسط سیا تنظیم شده بود» (مدنی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۵۱۵).

پس از انقلاب اسلامی نیز تنها به دلیل این‌که ملت ایران خواستار احیای استقلال و عزت پایمال‌شده خود بود و خارج از اراده و خواست آنان به‌دنبال پیشرفت بود، تا امروز با حجم گسترده‌ای از دشمنی و توطئه مواجه بوده است: از جنگ سخت و تحمیل جنگ هشت ساله گرفته تا جنگ نیمه‌سخت، تحریم و فشار اقتصادی، جنگ نرم، جنگ شناختی و ترکیبی.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «بعضی خیال می‌کنند دشمنی‌هایی که با ما می‌شود به‌خاطر این است که ما ستیزه‌گری کرده‌ایم؛ نه، این خیال غلطی است... ما شروع نکردیم، آن‌ها شروع کردند؛ آن‌ها از همان اول شروع کردند: با بدگویی، با تحریم، با طلبکاری، با پناه دادن به دشمن ملت ایران؛ شروع‌کننده آن‌ها بودند... قضیه این نیست... انگیزه‌های دیگری وجود دارد؛ مسائل دیگری پشت پرده است» (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۵/۳/۲۵).

چرا انگشت اتهام را متوجه انقلاب اسلامی می‌کنیم، اما نمی‌بینیم که این زیاده‌خواهی و سلطه‌جویی آمریکاست که موجب شده هیچ اراده‌ای برای پیشرفت و استقلال خارج از اراده آنان شکل نگیرد؟

۲. درک نکردن ریشه دشمنی آمریکا با انقلاب اسلامی و فروکاستن آن به مسائلی مانند هسته‌ای، حقوق بشر یا توان موشکی، موجب خطای محاسباتی شده است.

آمریکا حتی در روزگاری که حکومت وابسته آنان در کشور ما بر سر کار بود، با تحمیل قانون استعماری کاپیتولاسیون، خوی سلطه‌جویانه خود را آشکار ساخت و نشان داد که برای عزت و استقلال مردم این مرزوبوم ارزشی قائل نیست. کوپلر یانگ استاد دانشگاه پرینستون آمریکا معتقد است: «کاپیتولاسیون اشتباه فجیعی برای منافع آمریکا در ایران بود، با این همه ما برای اجرای آن پافشاری کردیم» (بیل، ۱۳۷۱، ص ۲۵۸).

گناه جمهوری اسلامی از منظر نظام سلطه، قرار گرفتن در منطقه راهبردی خاورمیانه و برخورداری از منابع سرشار است. تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا حاکم بلامنازع منطقه بود و ایران به‌عنوان مهم‌ترین متحد استراتژیک آمریکا محسوب می‌گردید، اما انقلاب اسلامی منافع غرب را در این منطقه به خطر انداخت و دست آنان را از منابع کشور کوتاه کرد.

آیا می‌توان برای مرز عقب‌نشینی جمهوری اسلامی پایانی متصور شد؟ اگر از فعالیت‌های هسته‌ای صرف‌نظر کنیم یا از توانمندی موشکی دست برداریم، آیا دشمنی آنان پایان خواهد یافت؟ تجربه برجام نشان داد که با وجود کوتاه آمدن ایران، وقتی این بهانه از دست آنان خارج شد، بهانه‌های دیگری همچون حقوق بشر، توان موشکی و نفوذ منطقه‌ای را مطرح کردند.

دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ریشه در ماهیت اسلامی، استکبارستیز و استقلال‌طلبانه ایران دارد. این دشمنی سطحی و ظاهری نیست و محدود کردن آن به مسائلی مانند هسته‌ای یا موشکی، غیرواقع‌بینانه و نوعی خودفریفتگی است. این دشمنی یادآور کلام الهی است: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ؛ هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد مگر آن‌که از آیین آنان پیروی کنی» (بقره: ۱۲۰).

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در این باره فرمودند: «دشمنان ما و جهانخواران تا کی و کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟ به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی ما نمی‌شناسند» (امام خمینی، ج ۲۰، ص ۲۳۷).  
 ۳. مشکلات کشور به‌ویژه در عرصه اقتصادی، ناشی از مقاومت در برابر نظام سلطه نیست. گرچه تحریم‌ها و فشارها مشکلاتی ایجاد کرده، اما ریشه اصلی مشکلات به داخل کشور و عواملی مانند ضعف مدیریت، برنامه‌ریزی‌های نادرست، سیاست‌گذاری‌های غلط و عدم استفاده از ظرفیت‌های داخلی بازمی‌گردد. دستاوردهای خیره‌کننده ایران در حوزه‌های مختلف علمی، پزشکی، نانو، هوافضا، هسته‌ای و نظامی - که با وجود تحریم‌ها به دست آمده - نشان‌دهنده ظرفیت‌های کشور برای پیشرفت است. اگر این عزم و اراده در عرصه اقتصادی نیز به کار گرفته شود، مشکلات قابل حل خواهد بود.

نباید حل مشکلات را تنها در گرو کنار آمدن با آمریکا تصور کرد. پیشرفت و رفاه حق مردم است و می‌توان با برنامه‌ریزی و تلاش به آن دست یافت، اما تحقق آن تنها با سازش حاصل نمی‌شود. به فرض که برای رفاه باید تن به سازش داد، آیا رسیدن به رفاه به قیمت از دست رفتن عزت و پذیرش سلطه ارزشمند است؟ مردم ما با الهام از ندای «هَيِّهَاتِ مَنَا الذَّلَّةَ» سرور و سالار شهیدان، عزت خود را به دنیای مستکبران نخواهند فروخت.

۴. گرچه مقاومت هزینه دارد، اما هزینه‌های سازش بسیار سنگین‌تر است. تجربه کشورهای سازش‌کاری مانند لیبی، برخی کشورهای عربی و ایران دوره پهلوی نشان می‌دهد که سازش، هویت و عزت کشورها را نابود کرده و آنان را به حافظان منافع بیگانگان تبدیل کرده است. تغییر رفتار ایران در حوزه‌های مورد نظر آمریکا، به معنای دست برداشتن از اصول و ارزش‌های اسلامی، تغییر هویت ایرانی-اسلامی و چشم‌پوشی از منافع و امنیت ملی است.

با توجه به هزینه‌های سنگین سازش برای کشور، چگونه می‌توان دم از دلسوزی برای ایران زد و نسخه‌ای تجویز کرد که همه داشته‌های ملی و دینی را به پای دشمنان بریزد؟  
 ۵. مسئله فراتر از دشمنی با یک کشور است؛ آمریکا به دنبال تسلیم، تجزیه و غارت ایران است.

زیاده‌خواهی و سلطه‌جویی آمریکا، این کشور را به دنبال تسلیم کامل ایران، تجزیه کشور و غارت منابع آن کشانده است. این یک تهدید همه‌جانبه و وجودی برای ایران محسوب می‌شود که هیچ ایرانی غیرتمند و شرافتمندی آن را نمی‌پذیرد.

شبهه هشتم: مردم به برخی از مسائل کشور اعتراض دارند. چگونه اعتراض خود را

چطور بیان کنند؟

در پاسخ می‌توان گفت:

۱. اعتراض و انتقاد نسبت به مسائل مختلف کشور، تصمیمات و عملکرد مسئولان، حق مردم است. اصل اعتراض و انتقاد در نظام جمهوری اسلامی براساس آموزه‌های دینی و حقوق قانونی پذیرفته شده است. براساس قانون اساسی «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن‌که مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است» (قانون اساسی، اصل بیست و هفتم). کسی با اصل اعتراض و انتقاد مخالفی نداشته و ما تاکنون شاهد برگزاری تجمعات اعتراضی صنفی و غیرصنفی فراوانی در مقابل مجلس شورای اسلامی و نهادها و سازمان‌های دیگر بدون هیچ مشکل خاص امنیتی بوده‌ایم. «بررسی اخبار تجمعات حکایت از آن دارد که در سال ۱۴۰۰ دست‌کم ۱۵۰۰ تجمع (قانونی یا غیرقانونی) و در سال ۱۳۹۹ نیز حداقل حدود هزار تجمع (قانونی یا غیرقانونی) با ابعاد و میزان جمعیت متفاوت در شهرهای مختلف کشور برگزار شده که قریب به اتفاق آن‌ها نیز بدون دخالت نیروهای انتظامی و با مسالمت پایان یافته و قشرها و اصناف گوناگون تجمع‌کننده توانسته‌اند خواست‌ها و مطالبات‌شان را به مسئولان مربوط منتقل کنند»:

<https://www.farsnews.ir/news/14010725000458>

۲. اعتراض و انتقاد و برگزاری تجمع همچون سایر حقوق و رفتارهای اجتماعی و سیاسی نیازمند سازوکارهای قانونی و مشخص است تا از هر گونه سوءاستفاده احتمالی از آن جلوگیری به عمل آید. در این راستا اقداماتی برای ضابطه‌مند کردن برگزاری تجمعات در کشور انجام شده است. به‌عنوان نمونه آیین‌نامه چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی در سال ۱۳۸۱ تصویب گردید و در سال ۱۳۹۷ دولت با هدف ساماندهی برگزاری تجمعات، درخصوص پیش‌بینی و تعیین محل‌های مناسب برای برگزاری تجمعات در تهران و مراکز استان‌ها تصمیم‌گیری کرد که البته تأثیر عملی چندانی بر

تجمعات نداشته است و تجربه اعتراض‌های کشور در سال‌های اخیر که متأسفانه به آشوب و اغتشاش کشیده شد، حکایت از آن دارد که نیاز به تنظیم سازوکار جامع‌تری برای برگزاری تجمعات وجود دارد و در این زمینه طرح ساماندهی تجمعات در کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس در کارگروه تخصصی در حال بررسی است:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1401/08/29/2807229>

۳. علاوه بر مسیر قانونی و مصوب، با نوشتن نامه، گرفتن وقت ملاقات از نمایندگان مجلس و مسئولان کشوری و لشکری، دیدار در مراسم و تجمعات و راه‌های دیگر نیز آحاد جامعه می‌توانند نظرات خود را به رده‌های بالای مدیران کشور، که در دوران ما از میان خود مردم و از جنس خودشان هستند، منعکس کنند. همگان می‌دانند که امروزه مدیران بخش‌های مختلف کشور، تافته جدا بافته نبوده، بلکه از میان خود مردم هستند و در بسیاری پست‌ها مانند نمایندگی مجلس و وزارت با انتخاب مستقیم و غیرمستقیم مردم برگزیده می‌شوند و در میان خود مردم زندگی می‌کنند.

۴. همگان می‌دانند که اعتراض و نقد یک مطلب است، که به حق و خوب و لازم است، اما اغتشاش و تخریب و جرح و قتل یک امر دیگر است که در همه کشورها و جوامع انسانی، ناهق، مضر و ممنوع است. قوه حاکمه و همه ما باید تمرین کنیم و آستانه تحمل خود را بالا ببریم تا شنونده نقد و اعتراض باشیم اگرچه اشتباه باشد؛ و از سوی دیگر نه شورش و تخریب و صدمه به مال و جان دیگران وارد کنیم و نه اجازه این کار را به دیگران بدهیم.



## فهرست منابع

- قرآن کریم.  
نهج البلاغه.
۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۰.
  ۲. آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمندی و دیگران، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۹.
  ۳. آبراهامیان، یرواند، تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، ۱۴۰۰.
  ۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۵/۳/۲۵.
  ۵. بیل، جیمز، عقاب و شیر، تراژدی روابط ایران و آمریکا، ترجمه مهوش غلامی، تهران: کوبه، ۱۳۷۱.
  ۶. جمعی از نویسندگان، مجموعه دستاوردهای انقلاب اسلامی برای جوانان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
  ۷. راجی، سید محمد حسین، خاچی، سیدمحمدرضا، صعود چهل ساله ۲ در نزدیکی قله، مشهد: اندیشکده راهبردی سعدها.
  ۸. راجی، سید محمد حسین، خاچی، سیدمحمدرضا، صعود چهل ساله، مشهد: زائر رضوی، ۱۳۹۷.
  ۹. راضیه، عزیزیف، امواج اراده‌ها، تهران: راه‌یار، ۱۴۰۴.
  ۱۰. فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ۱۴۰۲.
  ۱۱. فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا، ۱۴۰۴.
  ۱۲. مدنی، سیدجلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹.
  ۱۳. یادداشت‌های امیراسدالله علم، ویراستار علینقی عالیخانی، تهران، انتشارات مازیار و معین، ۱۳۸۰.

۱۴. (کودتای ۲۸ مرداد؛ اسناد و اظهارات مقامات آمریکایی و انگلیسی)

15. <https://irdc.ir/fa/news/9216>
16. <https://financialtribune.com/articles/economy-business-and-markets/59289/economic-progress-post-islamic-revolution>
17. <https://irdc.ir/fa/news/5691>
18. <https://farsnews.ir/news/14001118000082>
19. <https://farsnews.ir/news/14010725000458>
20. <https://irna.ir/news/83904445> (روایت یک سقوط از زبان آنتونی پارسونز)
21. <https://isna.ir/news/93012005846> (آمارهای بانک مرکزی)
22. <https://mashreghnews.ir/news/1572544>
23. <https://rajanews.com/news/301668>
24. <https://tasnimnews.com/fa/news/1401/08/29/2807229>
25. <https://yjc.ir/fa/news/7442052>

